

واپژوهی راهبردهای آلمان و انگلیس در ایران هنگام جنگ جهانی اول

(۱۹۱۴-۱۹۱۸ م/ ۱۲۹۳-۱۲۹۷ هـ ش)

علی پرورش رامکی^۱

قاسم اربابی^۲

چکیده

جنگ جهانی اول با قتل آرشیدوک فردیناند ولیعهد اتریش در ژوئن ۱۹۱۴ م آغاز شد. علت اصلی آن تضاد منافع قدرت‌های بزرگ بود. از آنجایی که انگلیسی‌ها در ایران منافع زیادی داشتند، آلمان‌ها برای ضربه زدن به منافع رقیب و دشمن خود در ایران راهبردهای مختلفی را به کار می‌گرفتند. بنابراین ایران برای انگلیس موضع تدافعی داشت. این در شرایطی بود که دولت ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی طرفی کرده بود، آلمان‌ها، توسط نمایندگان خود در ایران با تبلیغ و تحریک احساسات ضد انگلیسی مردم ایران اعم از عشایر، سران سیاسی کشور، حاکمان ایالات و روحانیون می‌خواستند منافع انگلیس را تهدید کنند. آلمان‌ها با همراهی ژاندارمری در شیراز، تنگستانی‌ها و دشتستانی‌ها در بوشهر، توانستند خساراتی را به نیروهای انگلیس در آن مناطق وارد نمایند. دولت انگلیس که امور سیاسی، نظامی، اقتصادی و نفت ایران را در کنترل خود داشت، نمی‌خواست موقعیت خود را از دست دهد. لذا با وارد کردن نیرو از هند و تشکیل پلیس جنوب در ایران هجمه‌های آلمان‌ها و مردم ایران که در خوزستان مناطق نفتی، بوشهر، شیراز و سیستان علیه انگلیسی‌ها صورت گرفته بود خنثی کند. دولت ایران در مقابل رویه‌های این دو قدرت، کمترین توانایی واکنشی متقابل را داشت. چون دولت ایران دارای شرایط اقتصادی و مالی متزلزل و نیروی نظامی ناکافی جهت کنترل امور بود.

واژه‌های کلیدی: جنگ جهانی اول، آلمان‌ها، انگلیسی‌ها، ایران، سیاست.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) aliparvareh68@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان و معلم gasemarbabiii@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

مقدمه

زمانی که جنگ جهانی اول در اروپا شروع شد، مصادف با آغاز پادشاهی احمدشاه و دولت مستوفی الممالک بود. که از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی شرایط مغشوشی داشت و دولت روسیه و انگلیس بر اکثر امور ایران سلطه داشتند. بنابراین روسیه و انگلیس اختیار هر نوع حرکت را در ایران دارا بودند. ولی دولت ایران امکان هر نوع حرکت، جز بی طرفی را نداشت. از این رو روسیه و انگلیس در ایران بازیگر بودند و ایران، زمین بازی آن‌ها محسوب می‌شد. که در هنگام جنگ جهانی اول آلمان‌ها و عثمانی‌ها وارد این زمین بازی می‌شوند. از این جهت است که به نظرم فهم قواعد بازی آلمان‌ها و انگلیسی‌ها در ایران، شناخت راهبردهای آن در جنگ جهانی اول حائز اهمیت می‌نماید. هدف از انجام این پژوهش همانا بازشناساندن دورنمایی از تحولات و ناملايمات جنگ جهانی اول که بر مردم ایران از خارج تحمیل شد و شناسایی چرایی و چگونگی آن است. در این تحقیق بیشتر در پی پاسخگویی به این سؤال‌ها می‌باشم. راهبردهای آلمان و انگلیس طی جنگ جهانی اول در ایران از چه قاعده‌ای تبعیت می‌کرد؟ هدف آلمان‌ها از اجرای برنامه‌های خود در ایران چه بود؟ انگلیسی‌ها برای حفظ منافع خود در ایران چه راهکارهایی را در پیش می‌گرفتند؟

قابل انکار نیست که در ارتباط با جنگ جهانی اول در ایران پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفت است. مهم‌ترین آن توسط تورج اتابکی کتابی با عنوان «ایران و جنگ جهانی اول» انجام شده، دیگر اینکه کتاب ایرج ذوقی با موضوع «تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ (۱۹۲۵-۱۹۰۰)» در ارتباط با تاثیرهایی که جنگ جهانی اول بر امور سیاسی ایران دارد نتایج خوبی را به دست می‌دهد. یک پژوهش دیگر به صورت مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های انگلیس و آلمان در فارس در طی جنگ جهانی اول» به وسیله عبدالله عطایی و داوود نوری انجام گرفته است. بنابراین در تحقیق مورد نظر ضمن استفاده از پژوهش‌های صورت گرفته سعی در بهره‌گیری از اسناد و منابع دسته اول دارم. در این تحقیق جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری بوده، که در ارائه مطالب از روش پژوهش توصیفی و تحلیلی استفاده می‌نمایم.

راهبردهای آلمان در ایران هنگام جنگ جهانی اول

با قتل آرشیدوک (Archduke) ولیعهد اتریش در بوسنی توسط یک دانشجوی صربستانی در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ م باعث شد تا اتریش به صربستان اعلام جنگ کند و جنگ جهانی آغاز گردد. (ماله و ایزاک، ۱۳۴۴: ۱۵۰، عطایی، نوری، ۱۳۹۵: ۷۳) علی رغم اینکه قتل ولیعهد اتریش بهانه شروع جنگ بود. اما علت اصلی آن تضاد منافع قدرت‌های استعماری در سطح جهانی بود که از توسعه؛ نظامی، سیاسی و صنعتی آلمان و اتریش به همراه برنامه‌ای که این دو قدرت برای دست اندازی به منافع در مستعمرات داشتند، تنش‌ها را افزایش داده، شرایط را برای شروع جنگ مهیا می‌کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۰) این زمان در ایران که مستوف الممالک اولین رئیس الوزرا پس از تاجگذاری احمدشاه بود، در نوامبر ۱۹۱۴ م ضمن اعلام بی طرفی، آن فرمان را به امضای شاه رساند و آن را برای کنسولگری‌ها، علما و جاهایی که لازم بود متذکر شدند. (برناه و خلیلی، ۱۳۹۲: ۴۵) باید این را در نظر داشت که دولت ایران شرایط لازم برای مداخله در جنگ جهانی اول را دارا نبود. در نتیجه تصور نمی‌رفت که دولت ایران خود مستقیم در تحولات جنگ ورود پیدا کند. اما با درگیر شدن دولت عثمانی در جنگ به عنوان همسایه ایران در اتحاد با آلمان، موجب شد تا سرزمین ایران بطور مستقیم درگیر صحنه جنگ شود.

آلمان‌ها نفع خود را در کشاندن ایران به جنگ می‌دیدند که با اعلام جنگ عثمانی بر علیه متفقین در ذی حجه ۱۳۳۲ هـ.ق و درگیری نیروهای آن کشور با روس‌ها در آذربایجان موجب شد، آلمان‌ها برای جلب برخی از عشایر مناطق غرب ایران دست به کار شوند و در این زمینه موفقیت‌هایی را بدست آورند. (بیات، ۱۳۶۹: ۴) لذا آن‌ها برای این منظور همیشه در تلاش بودند. دیگر اینکه جیمز فردریک مابری مرکز اصلی فعالیت آلمان‌ها را اصفهان می‌داند، که از آنجا عوامل آلمانی برای تبلیغ و تحریک مردم به گوشه و کنار ایران فرستاده می‌شدند. (مابری، ۱۳۶۹: ۱۴۴) اگرچه آلمان نیروی نظامی قابل ملاحظه‌ای در ایران نداشت، اما با ایجاد نا امنی و اغتشاش نیابتی توسط عشایر و سران طوایف بر علیه انگلیس سبب شد تا از تمرکز نیروهای آن قدرت در اروپا بکاهند. به نوعی می‌توان گفت، برنامه آلمان ایجاد



درگیری نیابتی در شرق از جمله؛ ایران و عثمانی، بر علیه انگلیس بود. با این راهبرد علاوه بر اینکه توان نیروهای آن را به تحلیل می‌برد، تجهیزات جنگی را به دور از مرکز اصلی (اروپا) مصرف می‌کرد.

پیش برد اهداف آلمان در ایران وابستگی زیادی به اعلام جنگ عثمانی داشت. چنان که جنگ جهانی در اوت ۱۹۱۴ م شروع شده بود سه ماه بعد عثمانی در طرفداری از آلمان و اتریش به جنگ وارد شدند. از این زمان نقشه‌های آلمان متوجه شرق می‌گردد، در این میان برای ایران، افغانستان و هند اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. (اتابکی، ۱۳۸۶: ۲۱) بنابر این آلمان‌ها برای تقویت موضع خود در کرمانشاه و غرب ایران دست به اقداماتی چون وارد کردن تجهیزات جنگی می‌زنند. چنان که اداره گمرک کرمانشاه در ۲۴ جمادی الاول ۱۳۳۳ ه.ق در این رابطه گزارش می‌دهد: «... لیکن در این مسئله به هیچ وجه محل تردید نیست که آلمان‌های کرمانشاه لاینقطع اسلحه و ذخیره از طرف خاک کلهر وارد می‌کنند و همه روزه سکنه، روحانیون و ایلات را به ترک بی طرفی ترغیب و تحریک نمایند. واضح است که مخفیانه تهیه ورود عساکر عثمانی می‌بینند.» (بیات، ۱۳۶۹: ۳۹) آلمان‌ها علاوه بر تحریک مردم ایران، نقش حمایتی و کمک تجهیزاتی برای نیروهای عثمانی در ایران علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها ایفا می‌کنند، برای مثال در کرمانشاه مسیو شویمان آلمانی در رأس این فعالیت‌ها قرار داشت.

متحدین با در نظر گرفتن نقاط ضعف متفقین در ایران سعی در نفوذ به بافت‌های اجتماعی ایران از جمله آن؛ ملی‌گرایان، ایلات، عشایر، ژاندارمری و استفاده از احساسات مذهبی، جاسوس‌هایی با شبکه گسترده تبلیغی را سازماندهی می‌کردند. (ملایی توانی، ۱۳۷۶: ۳۱ و ۳۲) با این حربه هیئت آلمانی نیدرمایر و زایلر، با توجه به برنامه تبلیغاتی توانستند مراجع مذهبی اصفهان را با مقاصد خود همراه سازند. تا جایی که برخی از روحانیون در موعظه‌های خود جهاد علیه روس و انگلیس را تبلیغ می‌کردند. همچنین زایلر در اصفهان توانست میلیون، ژاندارمری، سران طوایف و عشایر آنجا را با اهداف خود همراه کند. (باست، ۱۳۷۷: ۴۴ و ۴۵) از هنگامی که آلمان‌ها، هندوستان و افغانستان را به عنوان متحد بالقوه در برنامه‌های

خود طرح نمودند. کنت کانیتس آلمانی در غرب ایران به تحریک عشایر و بسیج نیرو در آن مناطق، فعالیت گسترده‌ای کردند. (گرکه، ۱۳۷۷: ۱۹۷/۱-۱۹۸) در واقع آلمان‌ها بیشتر در پی آن بودند تا احساسات نهفته ضد انگلیسی و روسی در بین قشرهای مختلف جامعه ایران را به وسیله تبلیغ و تحریک به عرصه ظهور بکشانند. می‌توان گفت آلمان‌ها در استراتژی خود از یک نوع آسیب شناسی سیاسی جهت مقابله با انگلیس در ایران بهره می‌برند.

در جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق شعبه بانک کرمانشاه پس از ابراز نگرانی خود به دولت ایران مبنی بر حضور ۱۵۰ نفر آلمانی، شعبه بانک خود را از کرمانشاه به همدان منتقل کردند. (بیات، ۱۳۶۹، ۴۴ و ۴۵) همان طور که مارلینگ موفقیت آلمان‌ها در ایران را وابسته به حفظ و گشوده نگه داشتن جاده کرمانشاه به بغداد می‌دانست. (مابریلی، ۱۳۶۹: ۱۵۵) چنان که طی یک گزارشی از وزارت خارجه به وزارت داخله، در ۱۰ شوال ۱۳۳۳ ه. ق این چنین ابراز می‌دارد: «به قراری که کارگذاری کرمانشاهان تلگرافا راپورت داده‌اند یک نفر صاحب منصب آلمانی با دوازده بار مهمات جنگی از راه بغداد وارد کرمانشاه گردیده است. محض اطلاع در مقام مزاحمت بر آمد که اقدامات فوریه در این خصوص بفرمایند.» (همان: ۶۹) همچنین وقتی که آلمانی‌ها در مه ۱۹۱۶ م / جمادی الاخر ۱۳۳۴ ه. ق خط دفاعی خود را در کرمانشاه از دست رفته می‌بینند. کنل بوپ، فرمانده آن جبهه به خاک عثمانی عقب نشینی می‌کند. (باست، ۱۳۷۷: ۵۹) در حقیقت مرز عثمانی و ایران برای نیروهای آلمانی نقش مفر و منفذ را ایفا می‌کند. عثمانی به عنوان متحد آلمان، این امکان را برای نیروهای آن فراهم می‌نمود.

پس از آنکه روسیه و انگلیس از اقدامات دیپلماسی و تبلیغاتی آلمان‌ها در تهران احساس خطر کردند، نیروهای خود را در نوامبر ۱۹۱۵ م به سوی تهران حرکت دادند که موجب مهاجرت عده‌ای از نمایندگان مجلس سوم و افراد سیاسی به قم و سپس به کرمانشاه شد. دولت موقت با ریاست نظام السلطنه مافی با حمایت عثمانی‌ها و آلمان در کرمانشاه بر علیه روسیه و انگلیس شکل گرفت. در این زمان فلدمارشال آلمانی نیروهای دولت موقت را در ژانویه ۱۹۱۶ م جهت آموزش عهده دار می‌شود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۳ و ۴۴) در واقع پیش برد امور دولت موقت وابستگی کاملی با تحولات صحنه جنگ داشت. زیرا با



شکست آلمان‌ها یا عثمانی‌ها امور دولت موقت تهدید می‌گردید و مقر خود را در کرمانشاه و قصرشیرین رها می‌کردند زیرا نیروهای دولت موقت توان حفظ خود در مقابل نیروهای روس و انگلیس را نداشت.

طرح زیمرمن و انورپاشا وزرای جنگ آلمان و عثمانی در تابستان ۱۹۱۴ م/ ۱۳۹۳ ه.ش ریخته شد. ایران در نقشه آن‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کرد. مبنی بر اینکه از طریق افغانستان و تحریک ملی گرایان هند و احساسات مسلمانان هند، امیدوار به ضربه زدن و تهدید موقعیت انگلیسی‌ها بودند. (ملایی توانی، ۱۳۷۶: ۴۱ و ۴۲) از این رو است هنگام فعالیت آلمان‌ها در سیستان، پریدوکس انگلیسی ضمن ابراز احساس نگرانی در رابطه با فعالیت‌ها و گرایش مردم سیستان به آلمان‌ها در ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ه.ق به شوکت الملک دوم والی سیستان تذکر می‌دهد تا نظارت بیشتری بر افراد آلمانی اعمال نماید. (نجف زاده و خلیفه، ۱۳۹۲: ۱۰) زیرا در همین زمان برنامه آلمان ایجاد شورش در افغانستان علیه انگلیس جهت ضربه زدن به آن‌ها در هند بود که در اواخر سپتامبر ۱۹۱۵ م/ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ه.ق نیدرمایر و فن هنتیک در کابل مشغول گفتگو با حبیب‌الله امیر افغانستان بودند. اما با موفقیت آمیز نبودن راهبردهای آلمان در ایران در بهار ۱۹۱۶ م/ ۱۳۳۴ ه.ق مذاکرات جهت جلب دوستی امیر افغانستان نیز به بن بست کشیده شد. (باست، ۱۳۷۷: ۶۶) می‌توان این را در نظر داشت که امرا و دولت‌های ضعیف در خلال جنگ جهانی اول، با توجه به تحولات جنگ طرف قدرتی که در حال پیروزی بود، می‌گرفتند و این قضیه برای گرایش حبیب‌الله امیر افغانستان صادق بود.

پس از آنکه نیروهای انگلیس یک کارمند آلمانی در بوشهر را دستگیر و بازجویی می‌کنند، مدارکی دال بر فعالیت ضد انگلیسی کنسول آلمان در بوشهر دست می‌یابند. بنابر این انگلیسی‌ها لیسترمن (Listerman) کنسول آن‌ها در خلیج فارس و بوشهر را دستگیر می‌نمایند. (یا حسینی، ۱۳۷۶: ۱۱۴) زبده‌ترین نیروی آلمان در جنوب ایران واسموس بود. که قبل از جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱ م در مقام کنسول آلمان در بوشهر فعالیت داشته بود و شناخت خوبی از عشایر جنوب ایران داشت. (عطایی و نوری، ۱۳۹۵: ۴) از این رو با توجه به مدارکی که بدست آمده واسموس سال ۱۹۱۵ م، در بوشهر و جنوب ایران

کوشش می‌کرد تا سران عشایر را بر علیه انگلیس با خود همراه کند، تا جایی که رئیس علی دلواری طی نامه‌ای به آلمانی‌ها آمادگی خود را جهت ضربه زدن به نیروهای انگلیس اعلام می‌نماید. (یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۱۳) چنان که در تلگرافی حیدرخان حیات داوود به وزارت داخله، ۲۰ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق این چنین ابراز می‌دارد: «... خوانینی که جهت فراهم آورده به معیت واسموس نام جرمنی در صدد حمله و مهاجمه به بوشهر شده میرزا محمدخان برازجانی است و اسباب و لوازمات حرب جمع می‌کند...» (بیات، ۱۳۶۹: ۱۳۵)

واسموس و وسترو کنسول جدید آلمان در شیراز نیز حضور مخبرالسلطنه حکمران آنجا، که گرایش به آلمان‌ها داشت، در ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵/۲ محرم ۱۳۳۴ ه.ق «کمیته حافظین استقلال» با حمایت ژاندارمری کنسول انگلیس اوکانر و کلیه اتباع انگلستان را دستگیر و به رؤسای عشایر و واسموس تحویل دادند. (باست، ۱۳۷۷: ۴۶) البته پس از گذشت چند ماه شرایط فارس به نفع انگلیس تغییر کرد، چنان که در آوریل ۱۹۱۶ م زایلر آلمانی از کرمان به مقصد شیراز راه افتاده بود، در شیراز دستگیر شد. حتی سوگمایر آلمانی پس از گریختن در ۱۷ آوریل در تبریز به اسارت انگلیسی‌ها در می‌آید. (مابریلی، ۱۳۶۹: ۲۱۰) تضعیف پایگاه‌های آلمان در ایران تحت تأثیر شرایط کلی از جنگ در سطح جهانی است، در این زمان اکثر طرح‌های آلمان که دورنمایی برای خود در نظر داشتند رو به شکست گذاشته بود.

از وظایف دیگر هیئت‌های آلمانی در خاورمیانه متقاعد کردن شیعیان کربلا و نجف، جهت صدور فتوای جهاد بود تا از این طریق اختلاف شیعه و سنی که باعث دشمنی ایرانی‌ها و عثمانی‌ها شده بود، از میان بردارند. از این رو کلاین آلمانی در ژانویه ۱۹۱۵ م/ربیع الاول ۱۳۳۳ ه.ق در کربلا از شیخ العراقین توانست فتوای جهاد بگیرد. مجتهدین نجف با هیئت آلمانی همراهی کردند. (گرکه، ۱۳۷۷: ۱۱۲) تبلیغات آلمان‌ها و عثمانی‌ها با مساعدت عوامل مذهبی در ایران و سایر مناطق جهان تا جایی گسترش یافته بود. که اکثر مردم داستان پذیرش اسلام امپراطور آلمان را باور می‌کردند. (کاتوزیان تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۰۰۸) زوگمایر (Zogmayer) آلمانی که سرپرستی گروه بلوچستان را برعهده داشت، با حربه تحریک احساسات اسلامی، علیه انگلیسی‌ها در بلوچستان فعالیت می‌کردند. (سپهر، ۱۳۶۲: ۹۸) به



نظر من یکی از دلایل هم پیمانی آلمان‌ها با عثمانی‌ها، استفاده و جذب گرایش‌های مذهبی مسلمانان جهان با خود بود، آلمان‌ها در مناطق مختلف ایران از راهکار بخصوصی بهره می‌گرفتند.

عدم موفقیت راهبردهای آلمان در ایران مربوط به عدم توازن و هماهنگی بین منابع مالی و راهکارهای سیاسی آن‌ها در ایران بود. چنان که تورج اتابکی در این رابطه بیان می‌کند: «اهداف فرماندهی عالی آلمان با اهداف نمایندگانش در صحنه نمی‌خواند. به علاوه هرگز معلوم نبود که آلمان‌ها چشم به ایران داشتند یا به افغانستان.» (اتابکی، ۱۳۸۶: ۲۲) نیز ناهماهنگی بین نمایندگان آلمان و سفارت آن کشور در تهران دیده می‌شد. زیرا زمانی که واسموس با تنگستانی‌ها در حال درگیری با انگلیسی‌ها بودند؛ سفارت آلمان طی تلگرافی واسموس را به تهران احضار کرده و از همه مناصبش عزل می‌نماید. (یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۳۲) به نظر من عاملی که سبب عدم موفقیت آلمان‌ها شد، قابل قیاس نبودن امکانات آن کشور با انگلیس در ایران بود. زیرا انگلیسی‌ها امور سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران را در قبضه خود داشتند. این در حالی بود که آلمان در ایران راه‌های ارتباطی محدود، حتی برای جابجایی مشکل‌های فراوانی داشت و مخفیانه راهبردهای خویش را به پیش می‌برد. ولی برای انگلیسی‌ها این طور نبود. در این باره سهیلا ترابی فارسانی از منابع احتمالی که روسیه و انگلیس می‌توانستند استفاده کنند ولی آلمان از آن محروم بودند، این چنین ابراز می‌کند: «انگلستان و روسیه نیازهای مالی خود را در ایران از طریق بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی برآورد می‌کردند. در حالی که آلمان‌ها این امکان را نداشتند، از این رو به تجار و تجارتخانه‌های خارجی و ایرانی متوسل می‌شوند.» (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۲۴ و ۲۵)

مسئله دیگری که باعث ریزش طرفداران آلمان و عدم موفقیت آن در ایران شد، اقدام نیروهای عثمانی در ایران بود. زیرا در گزارشی که از سرحد دار زهاب در ۱۲ رمضان ۱۳۳۳ ه. ق، علاوه بر اینکه قشون عثمانی‌ها اموال مردم را غارت می‌کردند، هتک حرمت ناموس مردم کردند را رعایت نمی‌نمودند و خانه‌های آن‌ها را تخریب می‌کردند. (بیات، ۱۳۶۹: ۷۹ و ۸۰) گذشته از این زمانی که روس‌ها منطقه آذربایجان را ترک می‌کنند بر بی‌مبالاتی عثمانی‌ها که

متحد آلمان‌ها بودند، افزوده می‌شود. در ایالت آذربایجان ۲۸ رجب ۱۳۳۶ ه.ق در رابطه با امر و نهی عثمانی‌ها چنین آمده است: «کماندانی مرکزی عثمانی به عموم اهالی محترم اعلام و اخطار می‌شود برای اینکه هر کس پول‌های کاغذی دولت عثمانی را قبول و هر غروشی که عبارت از ده شاهی باشد خورد نکند و مثل پول ایران متداول نکرده در میان خودشان به موقع مصرف نگذارند... از یک لیره تا ده لیره جزای نقدی گرفته و صد چوب زده و ده روز خواهد شد...» (همان: ۲۷۲) در حقیقت فعالیت‌های نامناسب عثمانی‌ها درون ایران غیر مستقیم و ناخودآگاه بر بدبینی مردم و دولت ایران نسبت به آلمان‌ها که متحد آن‌ها بودند، می‌شد.

با اطلاع ایرانیان از سیاست پان ترکسیم عثمانی‌ها و رفتار نیروهای آن کشور، سبب شد تا مثلث آلمان‌ها، عثمانی‌ها و ملیون ایرانی (دولت موقت) در طول جنگ جهانی اول مورد سوء ظن قرار گرفته و مانع از اقدام مشترک آن‌ها گردد. (اتابکی، ۱۳۸۶: ۶۷) بزرگ‌ترین مشکل آلمانی‌ها که سرانجام باعث عدم موفقیت آن‌ها در ایران شد، عدم اعتماد آن کشور به عثمانی‌ها و رقابت بر سر منافع با یکدیگر بود. (همان: ۲۲) از این رو جیمز فردریک ماپرلی این مسئله را چنین تحلیل می‌کند: «... نیدرمایر دریافت که ترک‌ها منطقه مرزی ایران و عثمانی و در واقع کل کشورهای شرق را به مثابه حوزه نفوذ سیاسی خود تلقی کرده ... از این رو ترک‌ها با هرگونه تلاش آلمان‌ها در آن خطه که از یک حوزه عملیاتی محدود پا را فراتر گذارد یا از ملاحظات صرف نظامی تجاوز کند. کاملاً مخالفت خواهند کرد.» (ماپرلی، ۱۳۶۹: ۱۱۵)

رویه‌های انگلیس در ایران در زمان جنگ جهانی اول

انگلیس با توجه به موقعیتی که در ایران داشت. هدف اولیه آن حفظ بی طرفی ایران و ممانعت از تحریکات آلمان‌ها علیه خودشان بود. انگلیس به همراه متحد خود روسیه از هیچ گونه اقدامی جهت تثبیت سلطه انحصاری بر امور سیاسی و اقتصادی ایران در جنگ جهانی اول دریغ نمی‌ورزیدند. (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۶۳: ۴۰۵) چنان‌که با پیشروی متحدین، روسیه و انگلیس قرار داد ۱۹۱۵ را منعقد کردند؛ قسطنطنیه، تنگه بسفر و دار دانیل به روسیه





رسید در عوض منطقه بی طرف ایران در قرارداد ۱۹۰۷ به انگلیسی‌ها سپردند. (ملایی، ۱۳۷۶: ۴۴) از آنجایی که انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران منافع داشتند، سیاست بی طرفی ایران به نفع آن دو قدرت بود. از این رو ایران برای انگلیس موقعیت تدافعی داشت در نتیجه بیشتر تمرکز خود را جهت جلوگیری از نفوذ متحدین و آلمان گذاشتند. به همین منظور فعالیت انگلیسی‌ها متمرکز به حفظ منافع خود در ایران بود.

در مه ۱۹۱۵ م سرپرسی کاکس که احتمال گرایش دولت ایران به متحدین می‌داد، گفتگویی با خوانین بختیاری جهت تأمین امنیت قلمرو نفتی انگلیس را ترتیب داد. (مابری، ۱۳۶۹: ۱۵۸) تا جایی که تأمین امنیت مناطق نفتی ایران برای انگلیس منافع سرشاری در پی داشت، از سران طویف و عشایر استفاده می‌کرد. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۵۸ و ۱۵۹) حتی برخی اوج همکاری بین خزعل و انگلیسی‌ها را در هنگام جنگ جهانی اول می‌دانند: «در تمام تحولات پس از آغاز جنگ، خزعل با اربابان انگلیسی‌اش کمال همکاری را داشت. اوج همکاری شیخ خزعل با انگلیس در طول جنگ جهانی اول هنگام درگیری بین متحدین و منافقین در بین النهرین بود.» (طرفاوی، ۱۳۹۰: ۶۰) به نظر من رابطه انگلیس با خان‌ها، اهداف و منافع دو طرف را بر آورده می‌کرد. زیرا خان‌ها در این ارتباط سعی در تثبیت موقعیت خود بودند و انگلیسی‌ها با توجه به نفوذ در امور سیاسی، این امر را برای آن‌ها فراهم می‌نمود.

انگلیس در برابر افراد و نیروهایی که با آن‌ها همراهی نمی‌نمودند راه‌های مختلفی برای از بین بردن آن‌ها در پیش می‌گرفتند. هنگامی که انگلیسی‌ها از جذب نیروهای ژاندارمری در فارس نا امید شدند، حمایت مالی و سیاسی خود از آن‌ها که قبلاً جهت برقراری امنیت جاده‌های تجاری جنوب، به ژاندارمری متعهد شده بودند، قطع نمودند. این مسئله منجر به فعالیت نیروهای ژاندارمری با سرپرستی علی‌قلی‌خان پسیان علیه انگلیس گردید. (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۱۵) انگلیسی‌ها در مقابل سران عشایر و طویف که سر ناسازگاری داشتند، دارای برنامه بودند. زیرا زمانی که صولت الدوله از تبعیت انگلیسی‌ها سر باز می‌زند طرح‌هایی چون: تطمیع برخی قشقای‌ها، ایجاد تفرقه و رایزنی با فرمانفرما حاکم شیراز

برای عزل صولت الدوله از ایلخانی را در پیش می‌گیرد، که در نهایت با روی کار آمدن وثوق الدوله در ۲۶ رمضان ۱۳۳۶ ه.ق، فرمانفرما با برکناری صولت الدوله، سردار احتشام برادر ناتنی و رقیب او را به عنوان ایلخانی بر می‌گزیند. (ایرجی، ۱۳۷۸: ۱۰۷ و ۱۰۸) دولت انگلیس با توجه به نفوذی که در امور ایران داشت به راحتی می‌توانست مخالفان خود را با راهکار مختلف چون؛ اقتصادی، سیاسی و نظامی تحت فشار قرار داده و به کنترل خود در بیاورد.

نیروهای انگلیس امور اقتصادی ایران را برای جلوگیری از کمک به آلمان‌ها کنترل می‌کردند. از این رو بسیاری از کاروان‌ها را بدون دلیل موجه و تنها بر حسب احتمال همکاری با آلمان‌ها، به وسیله پلیس جنوب مدت‌ها در توقیف خود نگه می‌داشتند. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۵۹) برای افزایش دخالت انگلیسی‌ها در امور تجاری ایران تا جایی پیش رفتند، فهرستی معروف به لیست سیاه ایران که برخی از تجار ایرانی و شرکت خارجی و داخلی با دشمنان آن به ویژه آلمان‌ها ارتباط داشتند، در مارس ۱۹۱۶ م منتشر کردند. (ترابی فارسانی، ۱۳۸۳: ۲۵) انگلیس با داشتن قدرت در ایران هنگامی که از تشدید فعالیت نیروهای آلمان در اواخر زمستان ۱۳۳۳ ه.ق احساس خطر کردند، توانستند لیسترمن کنسول آلمان را در بوشهر دستگیر کنند. (بیات، ۱۳۶۹: ۵)

هنگامی که عثمانی در جنگ جهانی اول به اتحاد مثلث پیوست انگلیس وضع خود را خطرناک دید. زیرا منافع نفتی خوزستان، که دولت انگلیس دارای سهم بود در خط مقدم مرزهای عثمانی قرار داشت. از طرفی در شرایط جنگی برای تأمین سوخت نیروی دریایی خود به آن نیاز مبرم پیدا می‌کرد. (مشایخی، ۱۳۹۰: ۱۶) بنابراین پس از اعلان جنگ عثمانی، انگلیس در آذر ۱۳۹۳ ه.ش/ نوامبر ۱۹۱۴ م برای جلوگیری از انهدام تاسیسات نفتی خوزستان، بحرین، خلیج فارس، بندر فائو، بصره و اهواز را به اشغال خود در آورد و این چنین حوزه پالایشگاه آبادان را از هر نوع تهدید محافظت کردند. (ملایی توانی، ۱۳۷۶: ۳۳ و ۳۴) زمانی که انگلیس نیروهای خود را در نوامبر ۱۹۱۴ م در بین النهرین و خوزستان



جهت حفظ پالایشگاه آبادان و لوله‌های نفت وارد می‌کند به برخی از شیوخ در ارتباط با مقاصد خود اطمینان خاطر می‌دهد. (طرفاوی، ۱۳۹۰: ۶۰) از آنجایی که برنامه ساخت کشتی‌های انگلیس طی سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ م بر مبنای سوخت نفتی طراحی شده بود، از این رو بعضی مهم‌تری عامل پیروزی متفقین و انگلیس در جنگ جهانی اول را در اختیار داشتن منبع نفتی می‌دانند. (یرگین، ۱۳۷۶: ۱۶ و ۱۷)

در طول جنگ جهانی اول زمانی که انگلیسی‌ها در ایران دچار خسارات مالی می‌شدند آن را به حساب دولت ایران می‌گذاشتند. همان طور که در ۱۹۱۵ م وقتی مأموران آلمانی و عثمانی در خاک ایران پیشروی می‌کردند و به لوله چاه‌های نفت در آبادان آسیب می‌رسانند، ۴۰۰۰۰۰ پوند تخمین زدند و دولت ایران را مسئول دانسته، از حق‌السهم در آمدهای نفتی دولت ایران کسر کردند تا خسارات‌های وارد شده را جبران کنند. (مجد، ۱۳۸۷: ۱۸۵) اما پس از انتصاب ژنرال سرجان نیکسون به جای ژنرال بات در ۱۹۱۵ م به فرماندهی انگلیس و هند مقیم خوزستان توانست ترک‌ها را از مناطق نفت خیز عقب براند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۱ و ۴۲) با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت؛ نفت در پیشبرد برنامه‌های انگلیس ارزش حیاتی داشته و نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کرد. اهمیت آن را می‌شود از پرداخت هزینه‌هایی که در قبال حفظ منطقه نفتی می‌نمایند، دریافت.

علاوه بر عثمانی‌ها که قاطرهای عشایر غرب ایران را برای استفاده ارتش به کشور خودشان می‌فرستادند، نیز انگلیسی‌ها اکثر حیوان‌های بارکش را جهت عملیات نظامی در بین‌النهرین خریداری می‌کردند. این مسئله موجب شد تا مردم برای حمل و نقل وسایل خود دچار مشکل گردند. (روزنامه رعد، ۲۷ شوال ۱۳۳۳: ۳) حتی در سطح جهانی تلگراف‌های خارجی کمبود محصول غله و گندم را جهانی دانسته و علت آن را به کارگیری زارعان در جنگ و مشغول شدن وسایل نقلیه در تدارکات جنگی بر می‌شمارند. (روزنامه ایران، ۸ جمادی الاول ۱۳۳۵: ۴) در ارتباط با ایران هنگام جنگ جهانی اول اگرچه خشکسالی ۱۹۱۶ م / ۱۲۹۵ ه.ش

را باید در نظر گرفت، ولی به نظر تشدید اشکال در تأمین مایحتاج مردم ایران در کمبود نان را مربوط به حضور نیروهای انگلیس، روسیه و عثمانی دانست. (خدری زاده، ۱۳۷۷: ۳۰)

در فاصله ۳ و ۴ شوال ۱۳۳۳ ه.ق/ ۱۵ و ۱۶ اوت ۱۹۱۵ م تنگستانی‌ها با رهبری رئیس علی‌دلواری شیخون کاری به پادگان‌های انگلیسی واقع در منطقه سبزآباد و بهمنی بوشهر زدند و ۱۱ نفر از نیروهای آن را از بین بردند و ۴۰ رأس اسب را به عنوان غنیمت گرفتند. (یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۶۷) در چنین شرایطی انگلیسی‌ها بوشهر را بسیار خطرناک دیده و چشم پوشی از آن را با توجه به منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی که برای خود، در آن متصور بودند، ممکن نمی‌دانستند. بنابراین انگلیسی‌ها با در نظر گرفتن اوضاع فارس که علیه آن‌ها بود، در ۱۸ اوت ۱۹۱۵ م بوشهر را به اشغال خود در می‌آورند. (مشایخی، ۱۳۹۰: ۱۷) دولت انگلیس شرایط خود را برای رهایی بوشهر، متعهد شدن دولت ایران در پرداخت غرامت خسارات‌هایی که از جانب دسته‌های مقصر، بر منافع و نیروهای انگلیسی روا داشته‌اند اعلام می‌کند. (همان: ۲۰) در واقع دولت ایران نه می‌توانست نیروهای خودجوش ضد بیگانه داخلی را کنترل کند و نه توانایی برآورده کردن خواسته قدرت‌های بزرگ را در کشور خود داشت. به واقع دولت ایران در جنگ جهانی اول نماد و نشانی از وجود دولت بود که علت وجودی خود را از دست داده و توانایی اداره امور داخلی در مقابل حضور قدرت‌های خارجی در کشور خویش را نداشت.

دولت انگلیس سرپرسی سایکس (Percy sykes) را که قبلاً در کرمان و سیستان سابقه کنسولی داشت، در سال ۱۹۱۶ م/ ۱۲۹۵ ه.ش مأمور تشکیل پلیس جنوب کرده بودند، وارد بندر عباس شده فرماندهی آن را بر عهده گرفت. (بیانی، ۱۳۵۷: ۸۹، صداقت کیش، ۱۳۹۱: ۱۲) به نظر می‌رسد هدف از تشکیل پلیس جنوب (S.P.R)؛ ممانعت از فعالیت آلمان‌ها و عثمانی‌ها در جنوب ایران، تأمین امنیت راه‌ها و حفظ منافع انگلیسی‌ها با تکیه بر منافع نفتی و حریم هندوستان دانست. که با بهانه ضعف و عدم توانایی دولت ایران در برقراری نظم و امنیت اقدام به ایجاد پلیس جنوب می‌کنند. (حسن‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۵، بیانی، ۱۳۵۷: ۸۴) از





راهبردهای نیروی پلیس جنوب این بود که در ابعاد مختلف ایجاد ناامنی و نابسامانی می‌کردند تا این را القا کنند، در این شرایط تنها نیرویی که توانایی رفع مشکلات و ناامنی را دارد، پلیس جنوب است. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۵۹) با تشکیل پلیس جنوب، انگلیسی‌ها در پی این بودند تا مخالفان خود را سر جای خود بنشانند و از طرفی با نمایش گذاشتن قدرت خود سعی داشتند احساسات ضد انگلیسی در جنوب که در حال رشد بود، کنترل نمایند. چنان که یک مورد از اخلاص‌گری‌های پلیس جنوب در ۷ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق توسط وزارت داخله برای وزارت خارجه گزارش می‌کند: «اهالی شهر بابک و رعایای آنجا عرض حال رقت آمیزی از غارتگری پلیس جنوب فرستاده‌اند چون جالب توجه و استحضار آن وزارت جلیله از مفاد آن لازم بود عیناً ارسال گردید.» (بیات، ۱۳۶۹: ۱۶۶ و ۱۶۷)

۶ نوامبر ۱۹۱۷ م حکومت کرنسکی در روسیه توسط بلشویک‌ها ساقط می‌شود و دولت جماهیر شوروی با ریاست لنین شکل می‌گیرد، با انتشار این خبر قشون روسیه در ایران از هم می‌پاشد. اگرچه انگلیسی‌ها با تزریق پول بین افسران روسی می‌خواستند از به هم ریختن آن جلوگیری کنند، ولی در پاییز و زمستان ۱۹۱۷ م قسمت عمده‌ای از نیروهای روس شمال غرب ایران را ترک کردند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۵ و ۴۶) پس از رفتن روس‌ها، دولت فرانسه طی یادداشتی از دولت انگلیس خواست تا موافقت خود را برای جایگزین کردن نیروهای فرانسوی بجای روس‌ها که ایران را ترک گفته بودند موافقت کند، اما انگلیسی‌ها مخالفت خود را با برنامه فرانسوی‌ها متذکر می‌شود. (یاست، ۱۳۷۷: ۱۷۱) پس از رها شدن خط دفاعی روس‌ها در مقابل عثمانی‌ها و آلمانی‌ها، دولت انگلیس برنامه تحریک آرامنه، گرجی‌ها و ترک‌های قفقاز را برای کسب استقلال حمایت و تشویق می‌نماید. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۶، ماپرلی، ۱۳۶۹: ۳۲۷) هرچند انگلیسی‌ها با رفتن نیروهای روس از شمال غرب نگران بودند، اما هیچ‌گاه حاضر به قبول حضور یک نیروی متحد و هم‌عرض در ایران نبودند. از طرفی در سطح جهانی چند اتفاق به نفع انگلیسی‌ها در جنگ بین‌الملل اول

رخ می‌دهد؛ همانا وارد جنگ شدن آمریکا به نفع متفقین، شکست عثمانی‌ها در فلسطین و از دست دادن بغداد، موجب شد تا از نگرانی انگلیسی‌ها در رفتن روس‌ها کاسته شود.

دولت عثمانی در اواخر محرم ۱۳۳۷ ه.ق/ اکتبر ۱۹۱۸ م، و آلمان‌ها دو هفته بعد ترک جنگ را پذیرفتند. با وجود پایان یافتن جنگ جهانی اول، حضور نیروهای نظامی انگلیس در ایران ادامه یافت. زیرا مسئله مقابله با آلمان و عثمانی‌ها، به موضوع مقابله با بلشویک‌ها مبدل شده بود و لرد کرزن یکی از مقامات سیاسی انگلیسی‌ها، در این زمان بر تحکیم موقعیت خود در ایران تاکید می‌ورزد. (بیات، ۱۳۶۹: ۱۱) به نظر من حضور انگلیسی‌ها در ایران نیاز به دلیل موجه یا غیر موجه خارجی نبود. زیرا در هر صورت وجود منافع آن‌ها در ایران مهم‌ترین دلیل برای حضور آن‌ها می‌توانست باشد. لذا پایان جنگ جهانی اول پیش آمد مهمی برای آن‌ها بود، چون نتیجه آن سلطه بی قید و شرط و بدون رقیب بر ایران را برای انگلیسی در پی داشت و در عوض آرزوی رهایی از دست بیگانگان برای ایرانیان که در طی جنگ جهانی اول انتظارش را می‌کشیدند، به واقعیت نپیوست و به عنوان یک آرزو باقی ماند.

در پایان جنگ جهانی اول که بی طرفی دولت ایران نقض و صدمات فراوانی متحمل شده بود، نماینده‌های دولت ایران بدون دعوت نامه به صلح ورسای که در فرانسه در ژانویه ۱۹۱۹ م برگزار شد، حضور یافتند. هیئت نمایندگان ایران با ریاست مشاورالملک انصاری وزیر امور خارجه با درخواست‌هایی چون؛ لغو قرارداد ۱۹۰۷ و قرار دادهای خارجی، پرداخت خسارات و اعاده مرزهای قدیم ایران را در نظر داشتند. اما انگلیسی‌ها به بهانه اینکه ایران بی طرفی اعلام کرده، جزء دولت‌های جنگ نبوده، مانع از ورود نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ورسای شدند. (اتحادیه، ۱۳۵۵: ۱۲۵ و ۱۲۶، هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۴: ۴۸ و ۴۹) با توجه به اینکه جنگ جهانی اول به دلیل تضاد منافع در بین قدرت‌های بزرگ روی داد. لذا انگلیس پس از جنگ جهانی اول برای بر آوردن منافع خود در قبال هزینه‌هایی که متحمل شده بود، حاضر به از دست دادن هیچ گونه امتیازی در ایران نبود. از سوی دیگر با در نظر گرفتن این مسئله که داخل ایران مقابل انگلیس قدرت معارض خارجی وجود نداشت،





بنابراین برای دولت ایران امکان گرفتن سیاست موازنه منفی جهت گرفتن امتیاز از دولت انگلیس ممکن نبود.

نتیجه گیری

جنگ جهانی اول را نباید برای مردم کشورهایی که درگیر آن بودند تجربه خوشایندی به حساب آورد. از این رو جنگ جهانی اول برای مردم ایران و دولت آن جز فلاکت و بدبختی، چیز دیگری بر جای نگذاشت. اما جنگ جهانی اول برای انگلیس در ایران نتایج خوشایندی در پی داشت. زیرا تمام راهکارهای آلمان در ایران جهت ضربه زدن به منافع انگلیس با شکست مواجه شده بود و از طرفی در سال‌های پایانی جنگ روس‌ها به عنوان رقیب دیرینه انگلیسی‌ها، ایران را ترک کردند. در نتیجه جنگ جهانی اول، برای مدتی سلطه بی قید و شرط انگلیس بر امور ایران را فراهم نمود. نتایج جنگ برای انگلیس در ایران به یمن کنترل بر امور اقتصادی، سیاسی و نظامی دانست. از این رو است که انگلیسی‌ها در ایران برنامه و راهبردهای آلمان‌ها را با موفقیت خنثی می‌نمایند. ولی آلمان‌ها از کمترین امکانات سیاسی، نظامی و اقتصادی در ایران بر خوردار بودند و نتیجه‌ای جز شکست به همراه نداشت.

هر چند دولت ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرده بود، ولی اجماعی بر آن در جامعه سیاسی ایران شکل نگرفته بود. زیرا در خلال جنگ شخصیت‌های سیاسی که گرایش به آلمان داشتند از پایتخت مهاجرت نموده و دولت موقت ملی را در کرمانشاه ایجاد کردند. از نتایج جنگ جهانی اول اینکه در ایران موجب چند دستگی سیاسی شد. پیام دیگر اینکه، همیشه بازی که قدرت‌های بزرگ در کشورهای ضعیف به پا می‌کنند، نتیجه آن به ضرر کشور ضعیف است. چنان که با بازی چهار قدرت چون؛ انگلیس، روسیه، آلمان و عثمانی در جنگ جهانی اول داخل ایران، پیامد غیر قابل جبرانی برای دولت و مردم ایران به بار آورد. حتی به نظر من در پایان جنگ جهانی اول انگلیس در ایران به دنبال ایجا یک هندی دیگر بود. زیرا منابع نفتی که در این زمان چرخ صنعت و اقتصاد آن را به حرکت در می‌آورد

از ایران تأمین می‌شد. چون همان نقشی که هند برای انگلیس در قرن ۱۸ و ۱۹ م ایفا می‌کرد، ایران در قرن ۲۰ م برای آن‌ها فراهم می‌نمود.

منابع

اتابکی، تورج و حسن افشار (۱۳۸۶). *ایران و جنگ جهانی اول*، تهران: نشر ماهی.

اوکانر، فردریک (۱۳۷۶). *از مشروطه تا جنگ جهانی اول*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: شیرازه.

ایرجی، ناصر (۱۳۷۸). *ایل قشقایی در جنگ جهانی اول*، تهران: شیرازه.

باست، الیور (۱۳۷۷). *آلمانی‌ها در ایران*، ترجمه حسین بنی احمد، تهران: شیرازه.

بیات، کاوه (۱۳۶۹). *ایران و جنگ جهانی اول*، اسناد وزارت داخله، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ (۱۹۰۰-۱۹۲۵)*، تهران: پاژنگ.

سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸)*، تهران: نشر ادیب.

فراشبندی، علی مراد (۱۳۵۹). *تاریخچه حزب دموکرات فارس*، تهران: انتشارات اسلامی.

کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۷۹). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: شرکت سهامی

انتشار.



گراتوسکی، ادوین آرویدوویچ و دیگران (۱۳۶۴). تاریخ ایران از باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران: پویش.

گرکه، اولریخ، (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق: ایرن در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، ج ۱، تهران: نشر کتاب سیامک.

مابریلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹). عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران: چاپخانه آرمان.

ماله، آلبر و ژول ایزاک (۱۳۴۴). تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه حسین فرهودی، ج ۴، تهران: انتشارات ابن سینا.

مجد، محمدقلی (۱۳۸۷). قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

محبوب فریمانی، الهه (۱۳۸۲). اسناد حضور بیگانگان در شرق ایران، سازمان کتابخانه‌ها، مشهد: موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

یاحسینی، قاسم (۱۳۷۶). رئیس علی دلواری، تهران: شیرازه.

یرگین، دانیل (۱۳۷۶). نفت ایران از آغاز تا جنگ خلیج فارس، ترجمه ابراهیم صادق نیا، تهران: انتشارات هیرمند.

مقالات

اتحادیه، منصوره (نظام مافی)(بهمن و اسفند ۱۳۵۵). گزارشی درباره خسارت وارده به

بلوک مراغه در جنگ جهانی اول، ش ۶۸.



برناه، فرزانه و محسن خلیلی (پاییز ۱۳۹۲). برابر سنجی دلایل نقض بی طرفی ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و سوم، دوره جدید ش ۱۹ پیاپی ۱۰۹.

بیانی، خانابا (زمستان ۱۳۵۷). پلیس جنوب (S.P.R.) (مستند به اسناد سیاسی و تاریخی)، فصلنامه بررسی‌های تاریخی، سال ۱۳، ش ۷۹.

ترابی فارسانی، سهیلا (تابستان ۱۳۸۳). رویکرد تجار به مسائل سالهای جنگ جهانی اول، گنجینه اسناد، ش ۵۴.

جعفری، فریبا (بهار ۱۳۸۳). پلیس جنوب: پیگیری اهداف انگلستان، مشکلات مادی و معنوی ملت ایران، فصلنامه روابط خارجی، ش ۱۸.

حسن‌نیا، محمد (پاییز ۱۳۹۱). واکنش ایران به تشکیلات پلیس جنوب در منطقه فارس و دیگر جاها، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال ۹، ش ۳۸.

خدری زاده، علی اکبر (بهار ۱۳۷۷). مسئله نان در تهران و تبریز، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال ۲، ش ۵.

صداقت کیش، جمشید (تابستان ۱۳۹۱). جبهه جنگ آباده علیه پلیس جنوب، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال ۹، ش ۳۷.

طرفاوی، محمد (پاییز ۱۳۹۰). واقعه الجهاد، قیام عشایر عرب خوزستان علیه انگلیس در جنگ جهانی اول، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۳۴.



عطایی، عبدالله و داوود نوری (بهار و تابستان ۱۳۹۵). سیاست‌های انگلیس و آلمان در

فارس در طی جنگ جهانی اول، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۴، ش ۲، پیاپی ۸.

مشایخی، عبدالکریم (بهار ۱۳۹۰). نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال

بوشهر (۱۸ اوت ۲۶/۱۹۱۵ رمضان ۱۳۳۳)، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳۲.

ملایی توانی، علیرضا (پاییز ۱۳۷۶). جنگ جهانی اول، آلمان‌ها و رخنه در ساختار اجتماعی

و سیاسی ایران، تاریخ معاصر ایران، ش ۳.

نجف زاده، علی و مجتبی خلیفه (پاییز ۱۳۹۲). بررسی فتوای جهاد عثمانی بر قاینات و

سیستان در جنگ جهانی اول، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۳، ش ۳، پیاپی ۹۱.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (خرداد ۱۳۵۴). ایران در جنگ بین المللی اول، مسائل جهان،

سال ۳، ش ۳.

روزنامه‌ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

روزنامه ایران، شماره ۵۰، ۸ جمادی الاول ۱۳۳۵.

روزنامه رعد، شماره ۱۷۳، ۲۷ شوال ۱۳۳۳.